

## 17 مرداد سالروز شهادت صارمی و روز خبرنگار گرامی باد. روابط عمومی دانشگاه بناب

آخرین پیام و مکالمه شهید محمود صارمی با خبرنگاری جمهوری اسلامی (ایرنا)

به گزارش جهان، خبر فوری: «مزار شریف به دست طالبان سقوط کرد، عده‌ای از افراد طالبان در محوطه کنسولگری دیده می‌شوند به من بگویند که چه وظیفه‌ای...»

و ناگهان ارتباط تلفنی قطع می‌شود...

این آخرین پیام و مکالمه شهید محمود صارمی با خبرنگاری جمهوری اسلامی (ایرنا) بود.

محمود صارمی از جمله خبرنگاران پرتلاش و آزاده‌ای بود که از حضور در خطرناکترین میدان‌ها ترس به دل راه نداد و به رسالت خویش تا انتها وفادار ماند.

به گزارش ایسنا، هفدهم مرداد 1377، هیچ‌گاه از یادمان نمی‌رود. روزی که یکی از اصحاب رسانه، یعنی محمود صارمی، خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی به دست عوامل گروه طالبان به خیل عظیم شهدا پیوست و یک سال بعد در نخستین سالگرد این رخداد به پاس قدردانی از مقام و حرفه شهید صارمی، با تصمیم شورای فرهنگ عمومی کشور، هفدهم مرداد به نام «روز خبرنگار» نامگذاری و در تقویم شمسی ثبت شد.

17 مرداد، روز گرامی‌داشت یاد و نام شهدای شهیدنوش خبر، بویژه شهید صارمی است که تا آخرین دقایق زندگی خود راهی جز انجام آنچه که تعهد کرده بود، نمی‌دانست.

محمود صارمی، سال 1348 در شهرستان بروجرد متولد شد. او در کنکور سراسری در رشته جغرافیای انسانی دانشگاه تهران قبول شد. به همین علت تهران را برای زندگی برگزید و پس از گذراندن چندترم از طریق بسیج دانشجویی دانشگاه تهران راهی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شد و مدت 17 ماه آنجا ماند و سپس به دانشگاه بازگشت و به ادامه تحصیل پرداخت.

در سال 1370 مشغول به همکاری با خبرنگاری ایرنا شد و در سال 1371 و در حالی که به تحصیلات خود در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید بهشتی ادامه می‌داد، ازدواج کرد.

صارمی پس از چهار سال به سمت دبیر سرویس فارسی ایرنا برگزیده و در روز 26 دی ماه سال 1357 به عنوان مسئول دفتر خبرگزاری ایرنا در افغانستان راهی مزار شریف شد و حدود دو سال بعد یعنی در 17 مردادماه سال 1377 در نهایت مظلومیت، به دست گروه طالبان به شهادت رسید.

آمنه صادرمی خواهر شهید صارمی در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا - منطقه لرستان - می‌گوید: محمود چند روز قبل از اینکه برای آخرین بار به افغانستان سفر کند به دلیل گذراندن دوران نقاهت در بروجرد به سر می‌برد اما در این چند روز چند بار از تهران از او تماس گرفتند. هر بار که با تلفن صحبت می‌کرد تغییر حالت در چهره اش نمایان می‌شد؛ یک روز علت تماس‌ها را از او جویا شدم اما مثل همیشه لبخند زد و گفت چیزی نیست. فردای آن روز مجدداً از تهران محمود را خواستند و این بار با قطع تلفن به فکر فرو رفت و به همسرش گفت باید به تهران برگردیم. با راهی شدن آنها من و خانواده‌ام حس عجیبی داشتیم. محمود هنگام رفتن از اوضاع افغانستان به خوبی مطلع بود و موقع رفتن از همه حلاکت طلبید اما برای آنکه ما ناراحت نشویم به ما می‌گفت آنجا جای من امن است و کسی به ما کاری ندارد من زود برمی‌گردم.

سرانجام 17 مردادماه، زمانی که درگیری در افغانستان به اوج خود رسیده بود نیروهای طالبان با حمله به کنسولگری، همه دیپلمات‌ها و خبرنگار ایران را تیرباران کردند به طوری که در پیکر محمود و همراهانشان بیش از 30 گلوله دیده می‌شد.

دفن کردن آنها در گور دسته جمعی موجب شد تا شناسایی آنها بعد از 40 روز به سختی صورت گیرد. روز 17 مردادماه از خبرگزاری تماس گرفتند و گفتند برای محمود مشکلی پیش آمده و ممکن است اخبار ساعت 21 در این مورد چیزی بگویند اما شما به پدر و مادر بگویید که جای محمود امن است و نگران نباشید.

ناگهان دلم پرآشوب شد و بلافاصله موضوع را با برادرم در میان گذاشتم و آن شب سعی کردیم که با سرگرم کردن پدر و مادرم مانع از روشن کردن تلویزیون و گوش دادن به اخبار شویم اما این امر صورت نگرفت چون پدرم عادت داشت هر شب اخبار افغانستان را گوش کند.

موضوع را به پدرم گفتیم و در همین لحظه خبر درگیری شدید و دیپلمات ها و خبرنگار ایرانی را اعلام کردند. شب سختی را پشت سر گذاشتیم، پدر و مادرم آرام و قرار نداشتند.

از 17 مرداد تا 23 شهریور روزها را با فکر اینکه محمود اسیر است و به آغوش خانواده برمی‌گردد، سپری کردیم. روزهایی که هیچکس نمی‌توانست به بهانه‌های پی در پی «سینا» تنها فرزند محمود پاسخی مثبت دهد و اشک از چشم پدر و مادر و همسرش خشک نمی‌شد.

سرانجام پس از پیگیری‌های فراوان دولت ایران پیکر 9 شهید و خبرنگار ایرانی را در روز 23 شهریور پس از شناسایی به ایران بازگرداندند و در میان حزن و اندوه مردم در تهران و بروجرد تشییع شدند.

محمود صارمی، مردم مظلوم افغانستان را همچون خانواده خود دوست داشت. او با آنها بر سر یک سفره می‌نشست و از درد و مشکلات آنها رنج می‌برد.

به قدری با مردم آنجا مأنوس شده بود که درد آنها را درد خود می‌دانست و در سرمای زمستان، لباس‌های گرم خود را به آنها می‌بخشید.

صارمی خبرنگاری جسور و بی‌باک بود که به حرفه خود عشق می‌ورزید و نقش خطیر و حساس خود را در آگاهی بخشی به جامعه به خوبی درک می‌کرد و ارتقای سطح آگاهی جامعه را دغدغه اصلی خود می‌دانست.

او از جمله خبرنگارانی بود که خوب می‌دانست پاکي و قداست حرفه خبرنگاري نباید تحت تأثیر افکار خاص جناحي قرار گیرد چراکه يك خبر می‌تواند جامعه‌اي را آشفته کند و یا گامی مهم در جهت سازندگی و پیشرفت بردارد.

تلاش صادقانه و اقدام به موقع شهید صارمی در افغانستان موجب شد تا دنیا، از ظلم و جور که سالها بر ملت مظلوم و در بند افغان می‌گذشت آگاه شود.

17 مرداد، نمادی از تلاش و سختکوشی کبوترانی است که عاشقانه و بی‌پروا در عرصه وسیع اطلاع‌رسانی جان خود را بر کف نهاده و با عشقی وصف‌ناپذیر به کار و حرفه خود، پروازی بی‌پایان و خستگی‌ناپذیر را دنبال می‌کنند.